

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بیان حق، بزرگ‌ترین جهاد

(ترجمه)

ابی سعید خدری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که فرمودند:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»

ترجمه: برترین جهاد، سخن حقی است که نزد پادشاهی ستم کارگرفته می‌شود. (ابو داود و ترمذی آن را روایت کردند و گفتند: حدیث حسن است.)

بیان آشکار حق، عواقبی دارد که تنها بندگان مخلص الله سبحانه و تعالی - که با پایبندی به شریعت و برافراشتن پرچم دین برای جلب رضایت اوتعالی تلاش می‌کنند- می‌توانند متحمل شوند. این حق با هوی و هوس افراد صاحب نفوذ در تضاد است و منافع آن‌ها را تهدید می‌کند. از این رو با حق و کسانی که به سوی آن دعوت می‌کنند، اعلام جنگ نموده و با تحریف، دروغ و تهمت و با ارباب و بازداشت و ترساندن و کشتار می‌کوشند تا از ظهور او در میان مردم جلوگیری کنند تا صداهایی را که دعوتگران به سوی خیر هستند، سرکوب کنند. اما با تمام این‌ها، این مخلصین بدون ترس و تردید حق را بیان و مسلمانان را نصیحت می‌نمایند و از گفتن حق، دعوت به سوی آن، دعوت به پیروی از آن و این که به عنوان روشی برای تمام زندگی قرار گیرد، دست بر نمی‌دارند. احساس مسئولیت، صداقت و محبت خیررسانی برای مردم، آنان را در این امر انگیزه داده است. مسلمانی که الله سبحانه و تعالی را دوست دارد، باید نسبت به دین خود غیرت داشته باشد و از هتک حرمت‌های آن جلوگیری کند. این محبت او باعث می‌شود که بخواهد همه مخلوقات، فقط بندگان الله سبحانه و تعالی و مطیع اوتعالی باشند و از او سرپیچی و از حدود او تجاوز نکنند. چنانچه برخی گفتند: دوست دارم، گوشت بدنم را با قیچی می‌بریدند؛ اما کسی از الله سبحانه و تعالی نافرمانی نمی‌کرد.

از ابوعبدالله خباب بن آرت رضی الله عنه روایت است که گفت: درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم شال خود را در سایه‌ی کعبه، بالش کرده و تکیه زده بودند، (از شکنجه‌های مشرکان مکه) به ایشان شکایت کردیم و گفتیم: آیا برای ما درخواست پیروزی نمی‌کنید؟ آیا برای ما نزد الله دعا نمی‌کنید؟ فرمودند:

«قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا، فَيُجَاءُ بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نَصْفَيْنِ، وَيُمَشَّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، فَمَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ. وَاللَّهِ لَيَتَمَنَّاهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّكَبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ، وَالذُّبَّ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ»

ترجمه: در امت‌های گذشته برای شخصی (که ایمان آورده بود) چاله‌ای در زمین می‌گندند و او را در آن می‌گذاشتند. سپس اره‌ای می‌آوردند و روی سرش قرار می‌دادند، او را از وسط دونیم می‌کردند و شانه‌های آهنی در بدنش فرو می‌بردند تا جایی که به استخوان و عصب می‌رسید؛ ولی این همه شکنجه او را از دینش باز نمی‌داشت. به الله سوگند که الله این دین را کامل می‌کند و

به نتیجه می‌رساند تا جایی که سوارکار (مسافر) از صنعاء تا حزموت می‌رود و جز ترس الله (سبحانه و تعالی) و خطر گرگ برای گوسفندان، از هیچ چیز دیگری نمی‌ترسد؛ اما شما عجله می‌کنید.

پس باید قلب هر مسلمانی از اعتماد به نصرت و حمایت الله سبحانه و تعالی آکنده باشد. هر مسلمانی تنها بر الله سبحانه و تعالی توکل کند و جز او از هیچ کس نترسد! هر مسلمانی صدای حق باشد و با صدای بلند در مقابل طواغیت جنایتکار ایستاد شود. برای ریشه کن کردن این نظام فاسد سرمایه‌داری، که بر گرده مردم نشسته، تلاش کند تا هر مسلمانی، چنان ثابت قدم و قوی باشد که از آزار و اذیت‌های این مسیر به او آسیبی نرسد؛ زیرا ابتلاء از جانب پروردگارش می‌باشد که بوسیله آن قلبش را پاک می‌کند تا او را از همان بندگان خود قرار دهد که در برابر آزار و اذیت‌هایی که در دفاع از دین شان دیدند، صبر کردند، برای برافراشتن پرچم او سبحانه و تعالی و اعلائی کلمه او تلاش کردند و هیچ نوع تغییری نکردند تا هر مسلمانی صبر کند و برای نصرت عجله ننماید؛ زیرا نصرت تنها به دست الله سبحانه و تعالی است و هر مسلمانی مطمئن باشد که عاقبت و سرانجام کار برای مؤمنان است.

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

ترجمه: ما آن سرای آخرت را تنها بهره‌کسانی می‌گردانیم که در زمین خواهان تکبر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی‌جویند (و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی و شهرت‌طلبی و بزرگ‌بینی و تباهکاری، پاک و پالوده است). عاقبت از آن متقیان است.

چنانکه، اصل نزد مسلمان اینست که خیر و نیکی را که برای خود دوست می‌دارد، برای دیگران نیز دوست بدارد. از این رو حمل این دین، تطبیق آن، زندگی در سایه آن و رساندن آن با دعوت و جهاد و با مجاهدت فکری و مبارزه سیاسی برای تمام بشریت وظیفه او بوده تا هدایت و صلاح و خروج از ظلمت‌های کفر و جهل به سوی نور اسلام و رستگاری در زندگی دنیا و آخرت را برای آنان حمل نماید.

برگرفته از شماره 460 جریده‌الرایه

مترجم: احمد صادق امین